



با شیرین نشاط در جشنواره بین المللی تورنتو (۲۰۱۷)

هنر زندگی من است

عکس و متن از گل ناز جمشید

قرار بود در هفته اول جشنواره بین المللی فیلم تورنتو ۱۳۸۸ با شیرین نشاط فیلمساز ایرانی گفت و گویی داشته باشم و از او در مورد ساخت اولین فیلم سینمایی اش، « زنان بدون مردان»، پرسش هایی را مطرح کنم؛ اما شب قبل از دیدارمان، از مدیر تبلیغاتی اش نامه ای دریافت کردم مبنی بر اینکه شیرین

نشاط به ایتالیا سفر کرده تا جایزه شیر نقره ای را از فستیوال فیلم ونیز دریافت کند. خوشبختانه امسال در جشنواره بین المللی تورنتو که از تاریخ ۱۶ تا ۲۶ شهریور ماه ۱۳۹۶ (۲۰۱۷) در آنتاریو برگزار شد، موفق به گفت و گویی با ایشان شدم؛ دو هموطن از دو نسل که با هنر آمیخته اند. شیرین نشاط با نهادن بخشی از وجود و تجربه شخصی اش، دومین فیلم بلندش

« به دنبال ام کلثوم » را می سازد. او فیلم را به قطعه ای کاملاً شخصی بدل می سازد و به جای ساخت اثری زندگینامه ای، آن را به شکل اثری شاعرانه در می آورد و با ساخت فیلمی در فیلم به آن فرمی مدرن می بخشد. او از این نماد اسطوره ای که نه فقط در کشور مصر و دنیای عرب بلکه فراتر از آن در خاورمیانه، محبوبیت چشم گیری داشته است، به عنوان مایه اصلی کار بهره

می گیرد و با خلق بُعدی دیگر از این هنرمند، اثر را تمام و کمال از آن خود می کند. او تلاش می کند سختی هایی را که به عنوان یک هنرمند زن در طول سالیان سال در تجارب کاری اش تحمل کرده، به طرز آرام و لطیفی در هسته وجود شخصیت فیلمش میترا نهادینه کند تا از دید او که در این فیلم نقش یک فیلمساز را ایفا می کند، به دنیای سنت و تبعیض جنسیتی معنی تازه ای ببخشد.

شیرین نشاط خود را هنرمند کوچک خاورمیانه خطاب می کند و می گوید: «مُ کلثوم

و دوستانه ای را به وجود آورد تا همسرش آسوده خاطر به کار دلخواهش پرداخته و آرزوهای خود را برآورده کند. ولی معدود مردانی هستند که از موقعیت و محبوبیت همسرشان در محیط خارج از خانه آزار نبینند، و از آن، احساس ترس و دلهره به دل راه ندهند و بتوانند به زن حس امنیت بدهند تا او نیز رویاها و قابلیت های خود را فدای زندگی سنتی نکند. زندگی مشترک باید به مفهوم همزیستی دو همراه باشد که رشد و پیشرفت یکدیگر را حمایت کنند.

همیشه با احساس جلو رفته ام. البته بدیهی است که در بعضی اوقات با هم شدیداً مخالفت کرده ایم، اما او دوست صمیمی من است. نه فقط در شرایط سخت دست من را می گیرد، بلکه می توانم ایده هایم را نیز با او در میان بگذارم. او مرا خوب می شناسد و می تواند منتقد خوبی برای من باشد. البته کار کردن با شخصی که باهاش زندگی می کنی، مسائلی به همراه دارد و زمان می برد تا بتوانی به جایی برسی که با احترام با هم مخالفت و همکاری کنید. این رابطه، این دوستی آغشته به مهر و محبت برای من خیلی مفید بوده است.»

هنرمند واقعی هنر را انتخاب نمی کند، بلکه هنر او را انتخاب می کند. افکار او دائماً در جریان و حالت شکل گیری است و مانند گردش زمین به دور سیارات هیچگاه از حرکت باز نمی ماند.

از او در مورد انتخاب سوژه اش پرسیدم و اینکه آیا در آینده علاقه ای برای ساخت فیلمی در مورد هنرمندان زن مطرح و بنام ایرانی دارد؟ و چون می دانم انتخاب لوکشین فیلم برای فیلمساز از اهمیت بارزی برخوردار است، از موانع ساخت چنین فیلمی می پرسم: «ما هنرمندان کوچ نشین هستیم. برای شخصی مثل من که بیشتر سال های عمرش را خارج از ایران گذرانده، این مسائل دیگر مطرح نیست. من به خود این اجازه را می دهم که در زمینه سوژه های غیرایرانی فعالیت داشته باشم؛ چون سال هاست در کشورهای عربی و مراکش رفت و آمد داشته ام. درست است که ممکن است نتوانم به ایران سفر کنم و در آنجا فیلم بسازم، ولی رابطه ام با خاورمیانه و کشورهای اسلامی پابرجاست. در نهایت من متعلق به خاورمیانه هستم. درست است که این بار در مورد ایران و یا یک زن ایرانی فیلم نساخته ام، ولی چون خودم ایرانی هستم، همیشه فیلم هایم نیز ایرانی هستند و از



خوشبختانه این مهم در زندگی شیرین نشاط رخ داده است.

آشنایی او با همسرش شجاع آذری حدود ۲۰ سال قبل اتفاق افتاد که از او به عنوان رفیق، همراه و همکار نام می برد: «من و شجاع دو آدم کاملاً متفاوتیم. سلیقه، طرز تفکر و دیدگاهمان نسبت به زندگی و دنیای پیرامون مان با هم فرق دارد. من خوشبین هستم و شجاع گاهی نگاه تلخ تری به زندگی دارد. ولی او بسیار مثبت تر و فیلسوفانه تر از من با مسائل برخورد می کند. او خیلی اندیشمند و روشنفکر است، در حالی که من

الگوی اوست؛ و هنگامی که از شهرت او بین انسان های متمول، فقیر، مؤمن و غیرمذهبی سخن می گوید، چشمانش برق کودکانه ای می زنند. برایش جذابیت دارد که این هنرمند زن در قرن بیستم توانست چنین محبوبیت و شهرتی را کسب کند؛ اما به این موضوع نیز اشاره می کند که چنین افرادی از جمله دوستان هنرمندش، ماریا آبرامویچ (هنرمند برجسته صربی) و سیندی شرمین (عکاس آمریکایی)، چگونه زندگی سنتی و خانوادگی را قربانی کار و هنرشان کرده اند.

یک زن می تواند در خانه، محیط گرم

و برای بحث، نقد و بررسی فضایی دوستانه به وجود می آورد. اما به نظر می آید این بار با توده ای از انتقادات از دنیای عرب مواجه خواهد شد. شیرین نشاط در رابطه با فیلم «به دنبال ام کلثوم» به این نکته اشاره می کند که هیچ اثر هنری نمی تواند همه مخاطبان را راضی نگه دارد و این اثر حتماً نباید بر مذاق همه خوش آید.

از او جوایز سوژه و فیلم بعدی اش شدم. می خندد. می گوید: «وقتی این فیلم نیز مانند فیلم قبلی ام ۶ سال طول کشید. گفتم پشت دستم را داغ می کنم که فیلم دیگری بسازم.» ولی هر دویمان می دانیم که وقتی وجودت با هنر آغشته باشد چنین چیزی امکان پذیر نیست و طنزی لحظه ایست.

رویش را به سوی زمین بر می گرداند و با متانت و هیجانی کودکانه می گوید چندین ایده دارد. می خواهد کتاب معروفی از یک نویسنده آلبانیایی را به فیلم تبدیل کند و سوژه ای دیگر از یک زن ایرانی مقیم آمریکا را در افکارش می پروراند. این بار می خواهد فیلمی با بودجه ای کمتر و خیلی ساده تر بسازد. بی صبرانه منتظر خلق اثر بعدی سینمایی او هستیم.



که درخت نخل ندارد. ایرادها به نظرش معتبر می آیند. او می داند لحظه ای که یک هنرمند اثری را خلق می کند خود را در معرض نقد قرار می دهد؛ و به نظر می آید این قابلیت را در خود پرورانده تا در برابر نقدهای منفی و مثبت واکنشی نشان ندهد و با آنها شخصی برخورد نکند. او را برای این خصوصیت تحسین می کنم، زیرا پذیرا بودن انتقادات می تواند به رشد و پیشرفت هنرمند کمک کند. مهم این است که شیرین نشاط برای نظرها ارزش قائل است

دیدگاه یک زن ایرانی به تصویر کشیده می شوند. هنرمندی که در تبعید زندگی می کند، در محدودیت ها نیز می تواند به هویتی جدید دست یابد و راه های جدیدی را تجربه کند. البته که واقعیت به کار، مزه و چاشنی بخصوصی می بخشد. در واقع حقیقت جالب زندگی یک هنرمند در تبعید این است که مجبور است خارج از کشورش فیلمی در ارتباط با اجتماع و فرهنگ بسازد و تصاویری واقع گرا به نمایش در آورد. البته کار، هیچ وقت خالص در نخواهد آمد. در دنیای هنر

دیگر مرزی وجود ندارد؛ مرزها در حال فروپاشی هستند.»

در انتهای صحبت مان، شیرین نشاط عقیده و نظر من را به عنوان یک هنرمند جوان ایرانی نسبت به کارش می پرسد. دوست دارد بداند بعد از این همه زحمتی که برای ساخت فیلمش کشیده است، نقدها و ایرادها چگونه خواهد بود. حدس می زند این فیلم نیز مانند «زنان بدون مردان» مورد نقد بسیاری قرار گیرد. می گوید ایرانی ها از فیلمش ایراد گرفتند که چرا بازیگرش لهجه مراکشی دارد، و یا تهران

